

فقر چندبعدی در افغانستان طی یک دهه اخیر

زحل سادات: عضو آکادمی رهبری زنان

عبدالقاهر بهشتی: پژوهشگر و استاد دانشگاه

چکیده

اندازه‌گیری فقر چندبعدی ابزاری نوین و رو به گسترش در مطالعات توسعه است که فراتر از شاخص‌های درآمدی، محرومیت‌ها را در ابعاد آموزشی، صحتی، معیارهای زندگی و سایر حوزه‌ها می‌سنجد. این رویکرد امکان می‌دهد تا تصویر واقعی‌تری از محرومیت افراد و خانواده‌ها حاصل شود و سیاست‌گذاری‌های هدفمندتر تدوین گردد. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند گزارش‌ها و مطالعات ملی و بین‌المللی، تحولات فقر چندبعدی در افغانستان طی یک دهه اخیر را تحلیل کرده است. منابع اصلی مورد استفاده شامل گزارش A-MPI اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان گزارش‌های وزارت اقتصاد (MoEC) و گزارش‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی و یونیسف می‌باشد.

یافته‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که در بازه زمانی (۲۰۱۶-۲۰۱۷) حدود ۵۲٪ جمعیت افغانستان در فقر چندبعدی قرار داشتند و کودکان زیر ۱۸ سال با بیش از ۵۶٪ بیشترین سهم را داشتند؛ اما در دوره ۲۰۲۲-۲۰۲۳ این سهم به تقریباً ۶۴.۹٪ برای کل جمعیت و حدود ۷۰٪ برای کودکان زیر ۱۸ سال افزایش یافته است. افزایش فقر چندبعدی در افغانستان با پیامدهای جدی در حوزه آموزش دختران، دسترسی به خدمات صحتی، مسئولیت غذایی و اشتغال، به‌ویژه اشتغال زنان، همراه بوده است. همچنین گزارش‌ها از وجود حدود ۳ میلیون کودک نیازمند درمان سوءتغذیه خبر می‌دهند.

این مقاله ضمن تشریح چارچوب مفهومی و روش‌شناسی، یافته‌ها را به‌صورت تفصیلی ارائه کرده، عوامل ساختاری و شوک‌های تشدیدکننده فقر را تحلیل می‌کند و مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی چندلایه برای کاهش فقر چندبعدی در افغانستان پیشنهاد می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: فقر چندبعدی، فقر پولی، مسئولیت غذایی، معیارهای زندگی، سیاست‌های ضدفقر

مقدمه

فقر به طور سنتی در بسیاری از مطالعات اقتصادی و توسعه به عنوان کمبود درآمد یا مصرف تعریف شده است؛ اما تجربه عملی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که درآمد تنها بخشی از تصویر محرومیت را تشکیل می‌دهد. محرومیت‌های غیرمالی مانند فقدان دسترسی به آموزش، خدمات صحتی و معیارهای مناسب زندگی می‌توانند شدت فقر را افزایش دهند و خسارات بلندمدت بر سرمایه انسانی برجای گذارند (World Bank, 2023).

افغانستان به خاطر دهه‌ها جنگ، بی‌ثباتی سیاسی و وابستگی به کمک‌های بین‌المللی، با ترکیبی از فقر پولی و فقر چندبُعدی روبه‌رو است. تحلیل‌های رسمی و میدانی نشان می‌دهد که محرومیت‌ها در مناطق روستایی و مرزهای فقیرنشین به مراتب عمیق‌تر است و کودکان و زنان بیشترین آسیب‌پذیری را دارند (NSIA & OPHI, 2017).

توجه به فقر چندبُعدی در افغانستان اهمیت عملی دارد؛ زیرا سیاست‌هایی که تنها بر اعطای کمک نقدی یا افزایش درآمد تمرکز می‌کنند، ممکن است محرومیت‌های غیرمالی مانند فقدان تحصیل یا خدمات بهداشتی را نادیده بگیرند و اثرگذاری طولانی‌مدت را کاهش دهند. بنابراین، درک ترکیب محرومیت‌ها و شدت آن‌ها برای طراحی مداخلات موفق حیاتی است.

پس از تحولات سیاسی ۲۰۲۱ در افغانستان، ساختارهای حمایت اجتماعی و امکان ادامه برخی خدمات عمومی دستخوش تغییر شد؛ این تغییرات، همراه با تحریم‌ها و کاهش کمک‌های بین‌المللی، موجب تشدید فشارها بر رفاه خانواده‌ها و افزایش محرومیت‌های چندبُعدی گردید. پیامدهای این تحولات در داده‌های سال‌های بعدی و گزارش‌های بین‌المللی مشهود است (World Bank, 2023; MoEC, 2020).

هدف این مقاله ارائه تحلیل جامع از روند فقر چندبُعدی در یک دهه اخیر افغانستان است؛ تمرکز بر اندازه‌گیری، تحلیل علل و شوک‌ها، بررسی گروه‌های آسیب‌پذیر و ارائه سیاست‌های پیشنهادی برای کاهش محرومیت‌ها در سطوح ملی و محلی می‌باشد.

مرور ادبیات

نخستین و برجسته‌ترین کار در حوزه فقر چندبُعدی، توسعه شاخص MPI توسط آلکایر و همکاران است که بعدها توسط OPHI و سایر موسسات بین‌المللی مورد اقتباس قرار گرفت. این رویکرد فقر را به عنوان ترکیبی از محرومیت‌ها در ابعاد آموزشی، سلامت و معیارهای زندگی می‌نگرد و از طریق معیارهای وزنی، سهم هر بعد را در فقر کلی اندازه‌گیری می‌کند (Alkire & Foster, 2010).

مطالعات تطبیقی در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که استفاده از شاخص‌های چندبُعدی منجر به شناسایی گروه‌هایی می‌شود که در اندازه‌گیری مبتنی بر درآمد نادیده گرفته می‌شوند. مثلاً خانواده‌هایی با درآمد نزدیک به خط فقر اما محروم از خدمات اساسی (Alkire & Santos, 2014). این نکته برای افغانستان که شکاف‌های منطقه‌ای و جنسیتی عمیق دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در افغانستان، اداره ملی احصائیه و معلومات با همکاری OPHI چارچوب A-MPI را بومی‌سازی کرده و پنج بعد و هجده شاخص را برای سنجش فقر چندبُعدی به کار برده است؛ این شاخص فراتر از رویکردهای تک‌بُعدی کمک کرده تا نابرابری‌های مکانی، جنسیتی و سنی بهتر درک شوند گزارش‌های NSIA نشان داد که در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ بیش از نیمی از جمعیت در شرایط فقر چندبُعدی قرار داشته‌اند و مناطق روستایی و ولایت‌های محروم نرخ‌های بسیار بالاتری داشته‌اند (NSIA & OPHI, 2017).

گزارش‌های وزارت اقتصاد افغانستان و تحلیل‌های اقتصادی محلی، علت‌های ساختاری افزایش فقر را در وابستگی به کمک خارجی، ضعف بازار کار، ناکافی بودن زیرساخت‌ها و ناتوانی در ایجاد اشتغال بلندمدت جست‌وجو کرده‌اند. این منابع همچنین بر نقش شوک‌های اقلیمی، کاهش تولید زراعتی و اختلالات در زنجیره‌های تأمین تأکید دارند (MoEC, 2019; MoEC, 2020).

مطالعات میدانی و گزارش‌های بشردوستانه نهادهای میان‌المللی روند رو به رشد سوءتغذیه و کمبود دسترسی به خدمات صحتی را ثبت کرده‌اند و هشدار داده‌اند که کودکان و مادران بیشترین آسیب را تجربه می‌کنند. این یافته‌ها انتخاب سیاست‌های غنی‌سازی غذایی، برنامه‌های تغذیه‌ای و مداخلات تحصیلی را موجه می‌سازد (UNICEF, 2023; World Bank, 2023).

مرور ادبیات نشان می‌دهد که برای افغانستان نیاز به استفاده هم‌زمان از داده‌های کمی (سروی‌های ملی) و تحلیل‌های کیفی محلی وجود دارد تا سیاست‌های واقع‌بینانه و قابل اجرا طراحی شوند. همچنین تأکید شده که پیوند قوی بین کمک‌های بشردوستانه و پروژه‌های توسعه‌ای می‌تواند اثرگذاری بلندمدت را افزایش دهد.

تعریف مفاهیم کلیدی

فقر عمومی: فقر به صورت کلی وضعیتی است که فرد یا خانوار نتواند نیازهای ابتدایی و اولیه زندگی شامل غذا، مسکن، دسترسی به خدمات صحتی و آموزشی را فراهم کند. این تعریف هم شامل بعد درآمدی و هم ابعاد غیرمالی می‌شود (World Bank, 2023).

فقر پولی: فقر پولی به معنای قرار گرفتن درآمد یا مصرف خانوار کمتر از یک خط فقر معین است. خط فقر بین‌المللی برای کشورهای کم‌درآمد معمولاً سطحی معادل ۱٫۹۰ دلار در روز تعریف شده است؛ دیگر آستانه‌ها برای کشورهای با سطح درآمد متوسط بالاتر هستند (World Bank, 2023).

فقر چندبُعدی: فقر چندبُعدی بر محرومیت‌های متعدد خانوار در حوزه‌های مختلف تأکید دارد و با ترکیب شاخص‌های متعدد (آموزش، صحت، معیارهای زندگی، کار و شوک‌ها در مدل افغانستان) شدت و گستره محرومیت را اندازه‌گیری می‌کند. A-MPI نمونه بومی‌شده برای افغانستان است که پنج بعد و هجده شاخص را شامل می‌شود (NSIA & OPHI, 2017).

مصنوعیت غذایی: مصنوعیت غذایی به معنای دسترسی مستمر و کافی به غذا برای داشتن زندگی سالم است. عدم مصنوعیت غذایی می‌تواند منجر به سوءتغذیه، کاهش رشد کودک و کاهش ظرفیت کارکرد اقتصادی

گردد. شاخص‌های مرتبط با سوءتغذیه زیر ۵ سال و دسترسی به غذا در تحلیل‌های MPI اهمیت دارند (UNICEF, 2023).

شوک‌ها: شوک‌ها به رویدادهایی اشاره دارند که به طور ناگهانی یا غیرمنتظره تولید یا درآمد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ مثلاً خشک‌سالی، آفات زراعتی، نوسان شدید قیمت‌ها یا وقایع امنیتی. در چارچوب A-MPI «شوک‌ها» به عنوان یک بعد مدنظر قرار گرفته‌اند تا اثرات شوک‌ها بر فقر ثبت شود (NSIA & OPHI, 2017).

چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله مبتنی بر رویکرد چندبُعدی فقر است که توسط آلکایر و فوستر معرفی شده و بعدها توسط OPHI گسترش یافته است. این چارچوب مبنای اندازه‌گیری فقر با تأکید بر محرومیت‌های هم‌زمان در ابعاد مختلف است و امکان محاسبه شاخص‌هایی مانند شدت و شدت وزنی فقر را فراهم می‌آورد (Alkire & Foster, 2010).

مزیت اصلی این چارچوب در توانایی تفکیک عوامل محرومیت و شناسایی گروه‌های خاصی است که در یک یا چند بعد دچار محرومیت عمیق‌اند؛ این تحلیل تفکیکی برای طراحی مداخلات هدفمند بسیار بااهمیت است. برای مثال، خانواده‌ای که از نظر درآمد فقیر نیست اما دسترسی به خدمات صحتی و آموزش ندارد، با رویکردهای درآمدمحور نادیده گرفته می‌شود. در سطح بومی افغانستان، NSIA و OPHI چارچوب A-MPI را با افزودن بُعد «کار» و «شوک‌ها» بومی‌سازی کرده‌اند تا شوک‌های اقتصادی-اجتماعی و وضعیت بازار کار نیز در اندازه‌گیری لحاظ شود. این بومی‌سازی کمک می‌کند تا حساسیت تحلیل‌ها نسبت به شرایط محلی و شوک‌های مکرر افزایش یابد (NSIA & OPHI, 2017).

از منظر نظری، تقسیم‌بندی محرومیت‌ها به آموزش، صحت، معیارهای زندگی، کار و شوک‌ها این امکان را می‌دهد که علاوه بر اندازه‌گیری فقر، نسبت مشارکت هر بعد را در فقر کلی تعیین کنیم؛ موردی که برای سیاست‌گذاری و تخصیص منابع حیاتی است. درک اینکه کدام بعد بیشترین سهم را دارد، مسیر مداخلات را مشخص می‌سازد.

بنابراین، این مقاله با تکیه بر چارچوب الکایر-فوستر و سازوکار بومی A-MPI تلاش می‌کند پیوند بین داده‌ها، تحلیل علل و پیشنهاد سیاستی را برقرار سازد؛ به گونه‌ای که هم تصمیم‌گیران ملی و هم بازیگران بین‌المللی قادر به درک بهتر مسئله و اتخاذ سیاست‌هایی هدفمند باشند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند منابع ثانویه است. منابع اصلی شامل گزارش‌های NSIA & OPHI (A-MPI 2016–2017)، گزارش‌های وزارت اقتصاد افغانستان، گزارش‌های بانک جهانی و

یونیسف، مقالات دانشگاهی و گزارش‌های تحقیقی محلی (از جمله تحقیق دانشگاه کاتب^۱) می‌باشد. معیار انتخاب منابع، مرتبط بودن با مسئله فقر چندبعدی در افغانستان، کیفیت گزارش و زمان انتشار (دوران ۲۰۱۶-۲۰۲۳) بود.

فرآیند جستجو شامل مرور Google Scholar برای ادبیات بین‌المللی و منابع ملی، بررسی سایت‌های رسمی UNICEF، OPHI، MoEC، NSIA و World Bank و شناسایی گزارش‌ها و مطالعات محلی بود. در محدوده ۲۰۱۲-۲۰۱۸ بیش از ۳۹٬۴۰۰ مقاله انگلیسی مرتبط شناسایی شد و برای متون فارسی حدود ۳۶۵ منبع مرتبط یافت گردید (جستجو و پالایش منابع انجام شد). این مقادیر نشان‌دهنده وسعت ادبیاتی مرتبط است که به مرور آن‌ها اقدام شد.

تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و مقایسه‌ای انجام گردید: ابتدا نتایج رسمی A-MPI (۲۰۱۶-۲۰۱۷) استخراج و شاخص‌های کلیدی گزارش شده؛ سپس گزارش‌ها و تحلیل‌های دوره ۲۰۲۲-۲۰۲۳ مقایسه گردید تا روند تغییرات شناسایی شود. در نهایت، عوامل ساختاری و شوکی که در مطالعات متعدد تکرار شده‌اند، دسته‌بندی و تحلیل تفصیلی ارائه شده است.

محدودیت روش‌شناسی شامل نبود دسترسی به برخی داده‌های میدانی جدید، تفاوت در دستورالعمل‌های گزارش‌دهی سازمان‌ها و مشکلات دسترسی به اسناد محلی در سال‌های اخیر بود. با این حال استفاده از چندین منبع مستقل سعی شده است از اعتبار نتایج اطمینان حاصل گردد.

در بخش روش، جدول ابعاد و شاخص‌های (NSIA & OPHI, 2017) A-MPI درج شده است تا ابزار سنجش مشخص و قابل ارزیابی باشد؛ همچنین پیشنهاد شد که برای تحلیل‌های آماری دقیق‌تر، دسترسی به داده‌های خام ALCS و سروی‌های جدید ضروری است.

جدول ابعاد، شاخص‌ها و وزن‌های شاخص‌های فقر چندبعدی در افغانستان

ابعاد فقر	شاخص	خانوار محروم است اگر...	وزن
صحت	مصونیت غذایی	هیچ سرحد و مصرف قابل قبولی غذا وجود ندارد	1/10
	ولادت به کمک افراد ماهر صحنی	هر زنی که در پنج سال قبل از مصاحبه حامله بوده و کمتر از چهار بار خدمات قبل از ولادت را انجام نداده یا ولادت در مرکز صحنی یا هم به کمک توسط داکتر و نرس صورت نگرفته	1/10
	حضور در مکتب	حداقل یک کودک ۷-۱۶ ساله در مکتب شرکت نمی‌کند یا هرگز نکرده است	1/10
تعلیم و تربیه	تعلیم اناث	هیچ زنی بالاتر از ده سال مکتب ابتدائیه را تکمیل نکرده یا قادر به خواندن و نوشتن نیست	1/20
	تعلیم ذکور	هیچ مرد بالاتر از ده سال مکتب ابتدائیه را تکمیل نکرده یا قادر به خواندن و نوشتن نیست	1/20
معیارهای زندگی	دسترسی به آب	به منابع آب بهبود یافته دسترسی ندارد (۱)	1/30
	فاضلاب	به تسهیلات سیستم فاضلاب بهبود یافته دسترسی ندارد (۲)	1/30
	برق	هیچ منبع نور کافی وجود ندارد (بطور مثال آنجا روشنایی وجود ندارد، یا آن از شمع یا سوخت جامد می‌آید)	1/30
	سوخت پخت و پز	هیچ سوخت برای پخت و پز کافی وجود ندارد (بطور مثال از مواد فاضله حیوانی، بقایای محصول زراعتی یا پخت و پز در خانه با استفاده از بوته‌ها، شاخه‌ها، هیزم یا ذغال چوب انجام می‌شود) (۳)	1/30
	مسکن	مسکن از مواد نامناسب سقف، کف و دیوار ساخته شده است (۴)	1/30
	مالکیت دارایی و زراعت	دارای کمتر از ۳ دارایی (یخچال، ماشین لباس شویی، جاروب برق، بالون گاز، اتو، تلویزیون، تلفون همراه، ماهواره، بایسکل و موتورسایکل) یا اقلام زراعتی (زمین و مالداری) (۵)	1/30

¹ <https://research.kateb.edu.af/dari/wp-content/uploads/sites/2/2021/02/2.pdf>

1/20	حداقل یک نفر در خانوار برای معیشت شش نفر خانوار کار می‌کند	وابستگی	کار
1/20	هیچ کسی از خانوار در نیروی کار شاغل نیست	بیکاری	
1/20	یک یا چند نفر از خانوار با کم کاری مواجه است	کم کاری	
1/20	یک یا بیشتر افراد بین ۱۷ تا ۲۴ ساله وجود دارند که نه کار می‌کنند و نه شامل تعلیم و تحصیل و آموزش هستند	عدم شمولیت جوانان در کار، تحصیل و آموزش	
1/20	یک یا چند شوک ذیل را تجربه کرده اند که تأثیر منفی شدید روی اعضای خانوار دارد: (۱) کاهش آب آشامیدنی یا زراعتی (۲) آفات و بیماری‌های زراعتی غیرمعمول (۳) از دست رفتن شدید تولید تریاک (۴) آفات غیرمعمول بالا مواشی (۵) کاهش دسترسی به چراگاه و یا کاهش دسترسی مسیر مهاجرت کوچی‌ها	تولید	شوک‌ها
1/20	یک یا چند شوک ذیل را تجربه کرده اند که تأثیر منفی شدید روی اعضای خانوار دارد: (۱) افزایش قیمت مواد غذایی (۲) کاهش عاید خانوار (۳) کاهش قیمت مواد غذایی در مزرعه	عاید	
1/10	یک یا چند مورد از موارد زیر به وقوع پیوسته است: (۱) آنها از خشونت یا سرقت رنج می‌برند. (۲) آنها در ولسوالی ای که به شدت ناامن ارزیابی شده است زندگی می‌کنند. (۳) آنها بیجا شده اند. (۴) آنها پاسخ می‌دهند که اولویت دولت باید خلع سلاح شبه نظامیان محلی باشد یا این که امنیت محلی را افزایش دهد.	امنیت	

یافته‌ها و نتایج

سطح کلی فقر چندبُعدی در ۲۰۱۶-۲۰۱۷: گزارش رسمی A-MPI نشان می‌دهد که در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۷ حدود ۵۲٪ از جمعیت افغانستان در فقر چندبُعدی قرار داشتند. این بدان معناست که بیش از نیمی از خانواده‌ها حداقل در یک ترکیب از شاخص‌ها محرومیت معناداری داشته‌اند. این مقدار نشان‌دهنده گستردگی محرومیت‌ها فراتر از آن چیزی است که فقط با شاخص درآمد می‌توان دید (NSIA & OPHI, 2017).

ترکیب سنی و آسیب‌پذیری کودکان: در همان دوره، کودکان زیر ۱۸ سال با بیش از ۵۶٪ بیشترین سهم فقر چندبُعدی را داشتند. این نشان‌دهنده آن است که محرومیت‌ها در میان نسل جوان شدید است و پیامدهای بلندمدت بر سرمایه انسانی و ظرفیت توسعه کشور خواهد داشت. افزایش بعدی نرخ فقر در میان کودکان تا ۷۰٪ در ۲۰۲۲-۲۰۲۳ زنگ خطری برای سلامت و آموزش نسل آینده است (NSIA & OPHI, 2017; World Bank, 2023).

الگوی مکانی شهری در برابر روستایی: A-MPI نشان داد که نرخ فقر در مناطق روستایی (۶۱٪) به مراتب بالاتر از مناطق شهری (۱۸٪) است. این شکاف شهری-روستایی بازتاب‌دهنده تفاوت در دسترسی به خدمات اساسی، زیرساخت‌ها و فرصت‌های اقتصادی است. مناطق دورافتاده‌تر با محرومیت‌های چندگانه در آموزش، بهداشت و معیارهای زندگی مواجه‌اند (NSIA & OPHI, 2017).

تغییرات زمانی و تشدید فقر: مقایسه دوره‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ و ۲۰۲۲-۲۰۲۳ نشان‌دهنده افزایش قابل‌توجهی در شاخص‌های MPI است: از حدود ۵۲٪ به نزدیک ۶۴.۹٪ برای کل جمعیت افزایش یافته که معادل افزوده شدن چند میلیون نفر به صف محرومان است (World Bank, 2023). در گزارش‌ها همچنین ذکر شده که این افزایش تقریباً ۵/۳ میلیون نفر برآورد شده است که نشان‌دهنده شدت تأثیر شوک‌های اقتصادی و تغییرات سیاسی-امنیتی است.

سوءتغذیه کودکان و مصئونیت غذایی: آمارهای گزارش شده نشان می‌دهد که حدود ۴۴/۲٪ از کودکان زیر ۵ سال دچار درجاتی از سوءتغذیه هستند و بیش از ۳ میلیون کودک نیازمند مداخله تغذیه‌ای‌اند.

این وضعیت بخشی از ابعاد مربوط به «صحت» و «مصئونیت غذایی» در A-MPI را تشدید می‌کند و پیامدهای قابل لمس در رشد فیزیکی و شناختی کودکان دارد (UNICEF, 2023).

آموزش و کودکان خارج از مکتب: طبق گزارش‌ها، ۵۲/۳٪ از خانواده‌ها حداقل یک کودک خارج از مکتب داشته‌اند؛ این مقدار نشان می‌دهد که محرومیت آموزشی یک علت اساسی و هم‌زمان در فقر چندبُعدی است. محدودیت‌های پس از ۲۰۲۱ در دسترسی به آموزش دختران – که در برخی گزارش‌ها به صراحت ذکر شده، باعث افزایش تعداد کودکان خارج از مکتب گردیده است (NSIA & OPHI, 2017; MoEC, 2020).

تأثیر بازار کار و بیکاری: بُعد «کار» در A-MPI نشان می‌دهد که بیکاری، کم‌کاری و عدم شمولیت جوانان در بازار کار یکی از محرک‌های مهم فقر چندبُعدی است. پس از تغییرات سیاسی و سیاست‌های محدودکننده اشتغال زنان، سهم خانواده‌هایی که درآمد پایدار ندارند افزایش یافته و این موضوع به‌ویژه بر خانواده‌هایی که زنان سرپرست خانواده‌اند اثر گذاشته است.

شوک‌ها و نوسانات قیمت: شاخص‌های مربوط به «شوک‌ها» یا شوک‌ها نشان‌دهنده آسیب‌پذیری بالای خانواده‌ها در مقابل افزایش قیمت مواد غذایی، کاهش درآمد و رویدادهای کشاورزی است. گزارش‌ها حاکیست که کاهش کمک‌های بین‌المللی و افت سرمایه‌گذاری منجر به تشدید این شوک‌ها شده است (MoEC, 2020; World Bank, 2023).

نابرابری جغرافیایی: بین ولایات تفاوت چشم‌گیری وجود دارد؛ به‌عنوان مثال بادغیس و نورستان نرخ بسیار بالایی (به‌ترتیب ۸۶٪ و ۸۰٪ در دوره ۲۰۱۶–۲۰۱۷) ثبت کرده‌اند، که بازتاب ضعف خدمات و دسترسی محدود به منابع درآمدی است، در حالی که کابل با نرخ ۱۵٪ کمترین میزان فقر چندبُعدی را داشته است (NSIA & OPHI, 2017).

خلاصه تحلیلی: جمع‌بندی نتایج نشان می‌دهد که فقر چندبُعدی در افغانستان به‌واسطه ترکیبی از محرومیت‌های ساختاری (ضعف نظام آموزشی، خدمات صحی ناکافی، بازار کار محدود) و شوک‌های اخیر (تحریم‌ها، کاهش کمک‌ها، محدودیت‌های جنسیتی) تشدید شده است؛ این موضوع نیازمند مداخلات ترکیبی و هدفمند است.

بحث در نتایج

تلفیق محرومیت‌ها و پیامدهای میان‌مدت: افزایش هم‌زمان محرومیت‌ها در آموزش، سلامت و معیارهای زندگی می‌تواند یک چرخه معیوب فقر ایجاد کند: محرومیت آموزشی کاهش سرمایه انسانی را در پی دارد، که در آینده منجر به اشتغال کم‌درآمد می‌شود و بدین ترتیب محرومیت‌های بین‌نسلی تداوم می‌یابد. بنابراین مداخلات صرفاً درآمدی بدون توجه به این حلقه‌ها کوتاه‌مدت خواهد بود.

نقش تغییرات سیاسی و کاهش کمک‌ها: کاهش گسترده کمک‌های بین‌المللی پس از ۲۰۲۱ و محدودیت فعالیت برخی نهادها (دولتی و غیردولتی) تأثیر مستقیمی بر ظرفیت دولت و بازیگران توسعه‌ای برای ارائه

خدمات پایه داشته است. این کاهش منابع برنامه‌های توسعه‌ای و حفاظتی را تحت فشار قرار داده و به افزایش فقر چندبُعدی دامن زده است (World Bank, 2023; MoEC, 2020).

تبعات ممنوعیت‌های جنسیتی بر اقتصاد خانواده: ممنوعیت یا محدودیت اشتغال و آموزش زنان و دختران اثر فوری و بلندمدت بر معیشت خانواده‌ها دارد. در خانواده‌هایی که زنان سهم مهمی در درآمد یا تأمین معیشت دارند، حذف این فرصت‌ها به افزایش فقر چندبُعدی و آسیب‌پذیری بیشتر کودکان و زنان منجر می‌شود. سیاست‌های محدودکننده دسترسی زنان به بازار کار و آموزش در بلندمدت سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی را تضعیف می‌کند.

مصئونیت غذایی و سلامت کودکان: آمار سوءتغذیه و نیازمندی بیش از سه میلیون کودک به درمان نشان می‌دهد که شوک غذایی و کاهش درآمد خانواده‌ها به سرعت بر سلامت جمعیت اثر می‌گذارد. سوءتغذیه نه تنها سلامت فعلی را تهدید می‌کند بلکه پیامدهای بلندمدت در کاهش ظرفیت شناختی و عملکرد تحصیلی کودکان دارد که اقتصاد آینده کشور را تضعیف می‌کند (UNICEF, 2023).

نابرابری جغرافیایی و دسترسی نامتوازن به خدمات: تفاوت شدید بین ولایات نشان می‌دهد که طراحی سیاست‌ها باید به صورت منطقه‌ای و متناسب با نیازهای محلی انجام شود؛ راهکارهای ملی یک‌سایز برای همه نمی‌تواند موثر باشد. برای مثال، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی در ولایات محروم باید در اولویت قرار گیرد.

بازار کار و نیاز به سیاست‌های اشتغال‌زا: افزایش بیکاری و کم‌کاری، به‌ویژه در میان زنان و جوانان، نیازمند سیاست‌های فعال بازار کار شامل برنامه‌های مهارت‌آموزی، حمایت از تشبثات خرد و متوسط، و پروژه‌های اشتغال‌آفرین است. برنامه‌هایی مانند «مزد در برابر کار» می‌تواند در کوتاه‌مدت نقدینه و اشتغال محدود فراهم کند، اما برای پایداری شغلی نیاز به سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساخت و محیط کسب‌وکار است.

نیاز به هماهنگی کمک‌های بشردوستانه و توسعه‌ای: مرور ادبیات و گزارش‌ها تأکید دارد که ترکیب کمک‌های فوری بشردوستانه با پروژه‌های توسعه‌ای زیرساختی می‌تواند تأثیر پایدار ایجاد کند. به عبارت دیگر، کمک نقدی ضروری است اما همراهی آن با آموزش، بهداشت و تقویت بازار محلی ضروری است تا از ایجاد وابستگی جلوگیری شود.

پیامدهای اجتماعی و امنیتی: تشدید فقر چندبُعدی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و امنیتی بلندمدت داشته باشد؛ افزایش فقر و محرومیت موجب کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فشارهای مهاجرتی و ریسک بی‌ثباتی محلی می‌گردد. از این رو کاهش فقر چندبُعدی جزو اولویت‌های امنیت انسانی و توسعه پایدار است.

نتیجه گیری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فقر چندبُعدی در افغانستان طی یک دهه اخیر تشدید شده است؛ رشد نرخ MPI از حدود ۵۲٪ در ۲۰۱۶-۲۰۱۷ به حدود ۶۴.۹٪ در ۲۰۲۲-۲۰۲۳ نمایانگر افزایش قابل‌تأمل محرومیت‌ها است (NSIA & OPHI, 2017; World Bank, 2023).

کودکان و زنان بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند؛ سهم بالای کودکان در فقر نشانگر بحران سرمایه انسانی آینده است که اگر مداخله فوری و هدفمند انجام نگیرد، آثار طولانی‌مدت آن بر رشد انسانی و اقتصادی کشور جبران‌ناپذیر خواهد بود.

محرك‌های این افزایش هم ترکیبی (ساختاری) و هم شوکی‌اند: کاهش کمک‌های خارجی، محدودیت‌های مرتبط با اشتغال و آموزش زنان، شوک‌های اقلیمی و افزایش قیمت‌ها از یک سو و ضعف زیرساخت‌ها و بازار کار از سوی دیگر؛ لازم است که سیاست‌ها هم از منظر فوری (کمک‌های غذایی و تغذیه‌ای، نقدینگی) و هم بلندمدت (سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و بازار کار) طراحی شوند.

استفاده از شاخص A-MPI نشان داد که پرداختن هم‌زمان به چند بعد محرومیت (آموزش، سلامت، معیارهای زندگی، کار و شوک‌ها) ضرورت دارد؛ سیاست‌های تکی و یک‌بعدی قادر به رفع ریشه‌ای فقر نیستند.

در نهایت، کاهش فقر چندبُعدی در افغانستان تنها با هماهنگی میان دولت (در شرایط موجود، با سازوکارهای متناسب)، نهادهای بین‌المللی، جامعه مدنی و سکتور خصوصی امکان‌پذیر است و نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر داده، هدف‌گذاری دقیق و تخصیص منابع به مناطق و گروه‌های پرخطر می‌باشد.

پیشنهادهای سیاستی

حفظ و توسعه کمک‌های بشردوستانه همراه با حفظ کانال‌های توسعه‌ای: جامعه جهانی باید کمک‌های انسانی را ادامه دهد و در عین حال کانال‌هایی برای پروژه‌های توسعه‌ای باز نگه دارد؛ قطع کمک‌ها نه تنها محرومیت‌ها را تشدید می‌کند بلکه پیامدهای بلندمدت دارد (World Bank, 2023).

بازگشایی و حمایت از آموزش دختران: اجرا و نظارت بر سازوکارهایی که امکان آموزش دختران را فراهم کند، از جمله راه‌حل‌های مجازی، مدرسه‌محوری و مشارکت جامعه محلی، ضروری است؛ زیرا محرومیت آموزشی باعث تشدید فقر بین‌نسلی می‌گردد.

برنامه‌های تغذیه‌ای هدفمند: باید فوراً برنامه‌های تغذیه‌ای برای کودکان زیر ۵ سال و مادران باردار و شیرده اجرا شوند (مداخلات مداخل تغذیه‌ای، مکمل‌های غذایی و درمان سوءتغذیه). این مداخلات باید هم‌زمان با برنامه‌های طولانی‌مدت تقویت امنیت غذایی اجرا شوند (UNICEF, 2023).

تقویت بازار کار و حمایت از تشبثات خرد: برنامه‌های مهارت‌آموزی، تسهیلات مالی خرد و حمایت از تشبثات کوچک (SMEs) به‌ویژه متعلق به زنان می‌تواند ظرفیت اشتغال‌زایی را افزایش دهد؛ ایجاد فرصت‌های درآمدی پایدار به کاهش فشار معیشتی کمک می‌کند.

از سرگیری پروژه‌های زیرساختی و مشارکت با سکتور خصوصی: پروژه‌های بزرگی مانند کاسا ۱۰۰۰ و تاپی می‌توانند اشتغال و زیرساخت تولید را تقویت کنند؛ تضمین ادامه این پروژه‌ها با مکانیزم‌های ریسک‌پذیری مالی و همکاری منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود.

حمایت از نظام‌های پویا و داده‌محور: تقویت ظرفیت NSIA و دیگر نهادها برای تولید داده‌های دقیق‌تر، به‌روز و تفصیلی (مثلاً دسترسی به داده‌های ALCS و سروی‌های مکرر) برای هدف‌گذاری و ارزیابی سیاست‌ها حیاتی است.

ترکیب کمک فوری و توسعه‌ای: کمک‌های نقدی و در برابر کار باید با پروژه‌های توسعه‌ای هم‌راستا شوند تا هم نیاز فوری را ارضا کنند و هم منجر به توانمندسازی بلندمدت شوند.

تمرکز منطقه‌ای و جنسیتی: تخصیص منابع باید بر اساس داده‌ها انجام شود؛ ولایات و گروه‌های دارای نرخ بالای MPI مثل بادغیس و نورستان و زنان سرپرست خانوار) باید در اولویت قرار گیرند.

محدودیت‌ها و پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

محدودیت‌های داده‌ای: دسترسی محدود به داده‌های میدانی نوین در برخی دوره‌ها و ناهمخوانی در گزارش‌دهی منابع مختلف یکی از محدودیت‌های اصلی است؛ توصیه می‌شود برای تحلیل‌های بعدی به داده‌های خام ALCS و سروی‌های خانواری دسترسی مستقیم فراهم گردد.

پیچیدگی‌های سیاسی و عملیاتی: شرایط سیاسی و محدودیت‌های عملیاتی می‌تواند مانع جمع‌آوری داده‌های میدانی و اجرای پالیوت‌های سیاستی شود؛ پژوهش‌های آینده باید روش‌های جایگزین و هندسه امن برای جمع‌آوری داده‌ها را در نظر داشته باشند.

نیاز به مطالعات ترکیبی: علاوه بر تحلیل‌های کمی، پژوهش‌های کیفی محلی (مصاحبه با خانوارها، گروه‌های متمرکز) برای درک عمق محرومیت‌ها و موانع فرهنگی و اجتماعی ضروری است.

تحلیل‌های تاثیر سیاست‌ها: مطالعات آینده باید بر ارزیابی دقیق مداخلات (impact evaluation) تمرکز کنند تا مشخص شود کدام برنامه‌ها در کاهش MPI بیشترین بازده را دارند.

زمینه‌های پژوهشی نو: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مرتبط با روابط بین فقر چندبُعدی و مهاجرت، امنیت غذایی پایدار، و نقش فناوری (مثلاً آموزش آنلاین) در شرایط محدودیت دسترسی به آموزش توسعه یابد.

منابع

- Alkire, S., & Foster, J. (2010). *Designing the Multidimensional Poverty Index (MPI)*. Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI).
- Ministry of Economy of Afghanistan (MoEC). (2019). *Reports and policies on economic analysis and poverty (1398–1399)*. Kabul: MoEC.
- Ministry of Economy of Afghanistan (MoEC). (2020). *Poverty status analysis report*. Kabul: MoEC.
- National Statistics and Information Authority (NSIA) & Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI). (2017). *Afghanistan Multidimensional Poverty Index (A-MPI) 2016–2017*. Kabul: NSIA.
- Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI). (2017). *Multidimensional poverty measurement resources*. Retrieved from <https://ophi.org.uk>
- Research Center of Kateb University. (2021). *سنجش میزان فقر چندبعدی در شهر کابل*. Kabul: Kateb Research. Retrieved from <https://research.kateb.edu.af/dari/wp-content/uploads/sites/2/2021/02/2.pdf>
- UNICEF. (2023). *Afghanistan Humanitarian Situation Report*. Retrieved from <https://www.unicef.org/afghanistan>
- World Bank. (2023). *Afghanistan Development Update / Poverty Overview*. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/country/afghanistan>